

## تحلیل نقش روان‌شناختی ارتباط غیرکلامی در رابطه مؤثر زناشویی در پرتو آموزه‌های قرآن کریم

مهین نوروزی<sup>۱</sup>

### چکیده

ارتباط غیرکلامی به مجموعه‌ای از رفتارهای غیرزبانی اطلاق می‌شود که در کنار ارتباط کلامی، نقش مهمی در انتقال افکار و احساسات دارد. در روابط زناشویی، این نوع ارتباط می‌تواند به همسران کمک کند تا احساسات و افکاری را که نمی‌توانند با کلمات بیان کنند، به‌دقت و وضوح منتقل نمایند. هدف این تحقیق، تحلیل نقش ارتباطات غیرکلامی در روابط زناشویی از منظر روانشناسی و آموزه‌های قرآن کریم است؛ زیرا با توجه به کاستی‌های موجود در خانواده امروزی که زمینه‌ساز آسیب‌هایی می‌شود، تحقیق و بررسی یکی از راه‌های بهبود این وضعیت که تأثیر ارتباطات غیرکلامی در تقویت یا تضعیف روابط زناشویی است، بسیار ضروری می‌نماید. داده‌های این تحقیق به‌صورت کتابخانه‌ای از منابع روان‌شناختی و تفسیری جمع‌آوری شده و سپس با روش تحلیلی-توصیفی صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ارتباط غیرکلامی تأثیر چشمگیری بر روابط زناشویی دارد و قرآن کریم به این نوع ارتباطات، اهمیت ویژه‌ای داده است. در پژوهش حاضر تلاش شده که قواعد ارتباط مؤثر از منظر قرآن کریم را پس از تحلیل، در جهت بهبود روابط زناشویی به کار گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن کریم، ارتباط غیرکلامی، روانشناسی، روابط زناشویی، تأثیرات روان‌شناختی

## مقدمه

روانشناسی زناشویی به‌عنوان یکی از زمینه‌های تحقیقات مهم، اهمیت خود را در درک عناصر ارتباطی میان افراد نشان می‌دهد. زوجین با توجه به ارتباطات غیرکلامی خود، نه تنها می‌توانند روابطشان را بهبود بخشند، بلکه در فهم بهتر یکدیگر نیز مؤثر هستند. از سوی دیگر، آموزه‌های قرآن کریم به‌عنوان یک مرجع اخلاقی و راهنمای اجتماعی، اصول و مبانی مهمی برای زندگی زناشویی سالم ارائه کرده است. صاحب‌نظران عرصه اجتماع، به‌طور کلی بر این باورند که انسان موجودی اجتماعی است. این ماهیت اجتماعی انسان، وی را به برقراری ارتباط با دیگران و ایجاد روابط مختلف اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، رهنمون می‌سازد. با توجه به ساخت روانی و شرایط تربیتی، انسان‌ها به لحاظ «نوع» و «چگونگی» ارتباطات خود با دیگران تفاوت‌هایی دارند. نوع و شیوه برقراری ارتباط در انسان‌ها مشابه شیوه زندگی و فرهنگ آن‌هاست. بدین معنا که به‌تبع تغییرات در عناصر فرهنگی جامعه، شبکه ارتباطی آن جامعه نیز دستخوش تحول خواهد شد.

مهارت‌های ارتباطی کلامی و غیرکلامی، روش‌ها و شیوه‌های ضروری برای یک زندگی سالم و سازنده‌اند. این مهارت‌ها مجموعه‌ای از توانایی‌هاست که باعث سازگاری فرد با دیگران و شکل‌گیری رفتارهای مثبت و مفید می‌شود. این توانایی‌ها فرد را قادر می‌سازد که نقش مناسب خود را در جامعه به‌خوبی ایفا کند، بی‌آنکه به خود یا دیگران آسیب وارد سازد. بنابراین فردی که دارای مهارت‌های ارتباطی کلامی و غیرکلامی است، قادر است با دیگران به‌گونه‌ای ارتباط برقرار کند که حقوق، الزامات و رضایت خود را در حد معقولی تأمین نماید، بی‌آنکه حقوق و الزامات دیگران را نادیده بگیرد و درعین حال بتواند در این موارد، مبادله‌ای آزاد و باز با دیگران داشته باشد (پی فرگاس، ۱۳۷۳).

در ارتباط غیرکلامی، مفاهیم و معانی از طریق حرکات بدن، مانند حالات چهره، نگاه، خنده، گریه و سایر نشانه‌های غیرکلامی، بین افراد منتقل می‌شود. هر دو نوع ارتباط، نیازمند کسب مهارت‌هایی است که در زمره مهارت‌های ارتباطی قرار می‌گیرد و لازمه هر ارتباط موفق، آموزش این مهارت‌هاست. در جامعه اسلامی، با در نظر گرفتن بعد معنوی شخصیت انسان و ساختار وجودی او که با قوانین هستی و اهداف الهی همسو است، توجه



به شیوه زندگی که مطابق با فرمان‌های الهی باشد و با ویژگی‌های خاص فرهنگی جامعه هم‌راستا باشد، امری بسیار مؤثر و ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به اصالت و اهمیت قرآن کریم، این پژوهش سعی دارد رویکردی هنجاری برای بهبود فرایند ارتباطی از متن آیات و برخی روایات اتخاذ کند.

این پژوهش سعی دارد با روش توصیفی تحلیلی و با رویکرد میان‌رشته‌ای، مؤلفه‌های مختلف و عوامل مهم ارتباط غیرکلامی در قرآن کریم را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد تا نقش عوامل ارتباط غیرکلامی در روابط مؤثر زناشویی نشان داده شود و مورد استفاده مخاطبان قرار گیرد.

### ۱. ماهیت ارتباط غیرکلامی

«ارتباط غیرکلامی شامل همه جنبه‌های ارتباط به جز کلمات است» (جولیاتی، ۱۳۷۹: ۲۸۴) و این تعبیر به دامنه وسیعی از پدیده‌ها اطلاق می‌شود. «پیام غیرکلامی شامل پیام‌های ارادی و غیرارادی است. غالب ارتباطات غیرکلامی، حالات چهره و بدن، دست‌ها و پاها، وضعیت قرار گرفتن و فاصله با مخاطب، لحن و تن صدا، سکوت و وقفه در حرکات و غیره را شامل می‌شود» (محسنیان راد، ۱۳۸۷: ۲۴۶).

«درباره ماهیت و چگونگی رفتارهای غیرکلامی، نظریه‌های متنوعی ارائه گردیده است. یکی از این نظریه‌ها تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی فعالیت‌های غیرکلامی به شیوه‌های گوناگون است که در یک دسته‌بندی جامع می‌توان ارتباط‌های غیرکلامی را به انواع زیر تقسیم کرد: ارتباط‌های دیداری، بویایی، بساوایی، مکانی و رفتاری» (فرهنگی، ۱۳۸۴: ۲۹۴-۳۱۰). افراد برای برقراری ارتباط با دیگران، از دو ابزار ارتباطی استفاده می‌کنند: کلام و غیر کلام (بدن). در ارتباط کلامی، فرد از طریق سخن و گفتار، اطلاعات را به دیگران منتقل می‌کند، درحالی‌که در ارتباط غیرکلامی، فرد از طریق عناصر غیرزبانی مانند حالات چهره، نوع نگاه و دیگر نشانه‌ها، منظور خود را به دیگران منتقل می‌سازد. انسان در طول زندگی و در دوره‌های یادگیری، زبان بدن مناسب خود را به‌طور ناخودآگاه فرامی‌گیرد. بااین‌حال، یک نکته همیشه ثابت است: زبان بدن ما همیشه واضح‌تر و روشن‌تر از گفتار ماست.



## ۲. اهمیت ارتباط غیرکلامی

### ۲-۱. ارتباط غیرکلامی در قرآن

در قرآن کریم، از رفتارهای غیرکلامی تأثیرگذار مانند حالات چهره، حرکات بدن، تماس چشمی، لحن و تن صدا، ویژگی‌های ظاهری و لمس کردن یا تماس بدنی اشاره شده است. نشانه‌های غیرکلامی به حدی اهمیت دارند که هرگاه بین حالات چهره و گفتار ناسازگاری پیش آید، حالات چهره و هر فعل غیرکلامی مهم‌تر و پرمعناتر از کلمات جلوه می‌کنند. به همین دلیل، امام علی<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «لِسَانُ الْحَالِ أَصْدَقُ مِنْ لِسَانِ الْمَقَالِ؛ زبان حال، راست‌گوتر از گفتاری است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۵۳).

نشانه‌های غیرکلامی و استفاده صحیح از آن‌ها از عوامل مهم در ایجاد ارتباط مؤثر است. از جمله نشانه‌های غیرکلامی که فرایند گفتگو را تسهیل می‌کند، می‌توان به چهره باز، تبسم، دست دادن، معافه و تماس مستقیم و مناسب اشاره کرد. در مقابل، نگاه پیوسته و خیره می‌تواند نمایانگر خشم و مخالفت باشد، چنانکه در قرآن کریم آمده است: «فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ؛ وقتی ترس پیش آید، می‌بینی چنان به تو نگاه می‌کنند و چشم‌هایشان در حدقه می‌چرخد که گویی می‌خواهند قالب تهی کنند» (احزاب: ۱۹). «رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ؛ منافقان بیماردل را می‌بینی که همچون کسی که در آستانه مرگ قرار گرفته به تو نگاه می‌کنند» (محمد: ۲۰). «المغشى عليه من الموت»، به کسی اطلاق می‌شود که در سكرات مرگ قرار گرفته است و عبارت «غشى على فلان» به معنای از کار افتادن فهم فرد به دلیل یک عارضه است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸، ۲۳۹). نگاه بدون پلک زدن، یعنی همان نگاه خیره، تنها به معنای اظهار تنفر، ترس و نگرانی نیست، بلکه می‌تواند نشان‌دهنده عشق، محبت و تأکید عملی فرد بر سخنان خود و دیگران نیز باشد.

### ۲-۲. ارتباط غیرکلامی در روایات

در روایات اسلامی گشاده‌رویی یکی از مصادیق حسن خلق دانسته شده است و تأثیر مثبت حسن خلق در روایت اجتماعی و خانوادگی مخصوص زناشویی بر کسی پوشیده نیست. از حضرت امام علی<sup>(ع)</sup> نقل شده است که فرمود: «سَبَبُ الْمَحَبَّةِ الْبَشَرُ؛ خوش‌رویی



سبب جذب محبت می‌شود» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۳۴). «الْبَشَرُ يَطْفِي نَارَ الْمُعَانَدَةِ؛ گشاده‌رویی، آتش دشمنی طرف مقابل را خاموش می‌کند»، (همان) «الْبَشَاشَةُ حِبَالَةُ الْمَوَدَّةِ؛ گشاده‌رویی کمند دوستی است» (همان). از امام جعفر صادق<sup>(ع)</sup> نقل شده که فرمود: «صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ وَ حُسْنُ الْبَشْرِ يَكْسِبَانِ الْمَحَبَّةَ؛ نیکوکاری و گشاده‌رویی، محبت می‌آورد» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۱۰۳). این آثار ارزنده گشاده‌رویی در تقویت روابط زناشویی، می‌تواند بسیار مؤثر باشد و زندگی مشترک را رنگ و روی دیگری بدهد.

علاوه بر گشاده‌رویی، لحن نرم و آمیخته با محبت و احترام، نیز حائز اهمیت است. روایات تأکید دارد که استفاده از لحن خوب و نیکو می‌تواند روابط عاطفی زوجین را تقویت کند (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۱۲، ۱۸۶). هم‌نشینی زوجین نیز در روایات ارزش‌گذاری شده که می‌تواند دلیلی بر اهمیت دادن روایات بر روابط غیرکلامی زوجین باشد. حضرت رسول اکرم<sup>(ص)</sup> فرمودند: «جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ اعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا؛ نشستن مرد در کنار همسرش، از نظر خداوند محبوب‌تر از اعتکاف در این مسجد من است» (ورام، ۱۴۱۰: ۲، ۱۲۲). در این روایت، هم‌نشینی با همسر ارزش‌گذاری و این ارزش‌گذاری نشان می‌دهد که باید زمانی برای این کار اختصاص داده شود.

همچنین در روایات نگاه محبت‌آمیز به همسر، یکی از ابزارهای جلب رحمت الهی دانسته شده است. در روایتی از رسول خدا<sup>(ص)</sup> آمده است: «إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا نَظَرَ إِلَى امْرَأَتِهِ وَ نَظَرَتْ إِلَيْهِ نَظَرَ اللَّهِ تَعَالَى إِلَيْهِمَا نَظَرَ الرَّحْمَةِ؛ اگر مردی به همسرش نگاه کند و او به او نگاه کند، خداوند متعال با نگاهی رحمت به آن‌ها نگاه می‌کند و اگر کف دست او را بگیرد، گناهانشان از انگشتان آن‌ها می‌افتد» (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۷۸).

### ۳. مصادیق ارتباط غیرکلامی در قرآن کریم

در متون اسلامی، ارتباط غیرکلامی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای بیان هیجان‌ها و حالات درونی انسان‌ها معرفی شده و حتی آن را دقیق‌تر و گویاتر از زبان گفتاری دانسته‌اند. چنانکه امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> فرموده است: «أَصْدَقُ الْمَقَالِ مَا نَطَقَ بِهِ لِسَانُ الْحَالِ؛ راست‌ترین گفتار آن است که با زبان حال بیان شود» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۱۷). این سخن نشان می‌دهد که حالات درونی انسان‌ها، مانند احساسات و هیجانات، در بسیاری از موارد از



طریق رفتارهای غیرکلامی همچون زبان بدن، حرکات صورت و دیگر نشانه‌های فیزیکی بهتر از کلمات منتقل می‌شود. در قرآن نیز نمونه‌هایی از این نوع ارتباط غیرکلامی یافت می‌شود که بر اساس آن‌ها می‌توان به تحلیل حالات مختلف انسان‌ها و واکنش‌های آن‌ها در برابر شرایط مختلف پرداخت. در ادامه به برخی از این مصادیق و موارد، اشاره خواهیم کرد:

### ۳-۱. رابطه زبان بدن با هیجان‌ها

تواضع: قرآن به شدت بر لزوم تواضع و فروتنی تأکید دارد. قرآن می‌فرماید: «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ و بال خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند، بگستران» (اشعراء: ۲۱۵). منظور این است که در برابر مؤمنین فروتن و متواضع باش. این تعبیر به زبان بدن اشاره دارد، جایی که انسان در مواجهه با دیگران به گونه‌ای عمل می‌کند که نشان‌دهنده نرم‌خویی و فروتنی است. این نوع رفتار، شبیه آن است که پرنده‌ای بال خود را جمع کرده و در مقابل صاحب یا جفتش به عنوان علامت تسلیم و تواضع، قرار می‌گیرد. در قرآن نیز آمده است: «وَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴). این تعبیر در آیه، نشان‌دهنده عظمت اخلاق پیامبر است. به همین دلیل در روایات آمده است که ترویج اسلام به سه عامل مهم، مال حضرت خدیجه<sup>(س)</sup>، شمشیر حضرت علی<sup>(ع)</sup> و خُلق پسندیده پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> انجام شده است. در این میان، اخلاق پیامبر<sup>(ص)</sup> به عنوان یکی از مؤثرترین عوامل شناخته شده است (طیب، ۱۳۷۸: ۱۰، ۹۶).

نفاق: در قرآن کریم، نفاق را به عنوان یکی از صفات منفی انسان‌ها معرفی شده است. چنانکه می‌فرماید: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى؛ منافقان با خدا نیرنگ می‌کنند و حال آنکه او با آنان نیرنگ خواهد کرد و چون به نماز ایستند با کسالت برخیزند» (نساء: ۱۴۲). این آیه به ویژگی‌های منافقان اشاره دارد که در ظاهر خود را مؤمن نشان می‌دهند؛ اما در باطن هیچ گونه اعتقادی ندارند. منافقان برای فریب دادن مؤمنان، در مجالس و محافل اسلامی حاضر می‌شدند و با اعمال و رفتار ظاهری خود می‌خواستند اعتماد دیگران را جلب کنند. با این حال، آن‌ها هیچ میل و علاقه‌ای به عبادت واقعی، مانند نماز، ندارند و تنها برای اهداف دنیوی خود در نماز حضور می‌یابند. این نوع رفتار و شخصیت نامتعادل، نشان‌دهنده یک تضاد عمیق بین ایمان ظاهری و باطن



منافق است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۴، ۱۵۳).

**حیا و شرم:** یکی از ویژگی‌های مطلوب انسانی از نظر قرآن کریم، حیا و شرم است که خود را در رفتار انسان نشان می‌دهد. قرآن می‌فرماید: «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ» (قصص: ۲۵). حیا یک ویژگی درونی است؛ اما این بخش از آیه بیان می‌کند که دختر حضرت شعیب به گونه روی زمین راه می‌رفت که انگار روی فرشی از حیا قدم می‌زد. البته حیا و شرم تنها در ظاهر نیست، بلکه در تمام حرکات و رفتارهای فرد باید مشهود باشد. باز دربارهٔ زمینه حیا و شرم، قرآن به رفتارهایی چون نحوه راه رفتن زنان اشاره دارد و می‌فرماید: «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ؛ وَ هُنَّ كَمَا كُنَّ يَوْمَ أُوتِيَ الْوَيْدَانَ» (نور: ۳۱). این آیه به این معناست که زنان باید از صدای زیورآلات خود هنگام راه رفتن جلوگیری کنند تا نامحرمان به آن‌ها توجه نکنند که به نحوی مرتبط با رعایت حیاست؛ یعنی رفتار انسان با یکی از مصادیق هیجانات که حیاست، ارتباط دارد.

**عصبانیت:** عصبانیت یکی دیگر از ویژگی‌های هیجانی انسان است که خود را در حرکات و رفتار انسان نشان می‌دهد. چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ؛ وَ چون [با هم] خلوت کنند از شدت خشم بر شما سر انگشتان خود را می‌گزینند» (آل عمران: ۱۱۹). این آیه به‌ویژه به عصبانیت شدید اهل کتاب اشاره دارد که وقتی در خلوت می‌رفتند، از شدت غضب، دست به دندان می‌گزیدند. این رفتارشان نشان‌دهنده شدت خشم و انزجار آنان بود که در چهره و رفتارشان نمایان می‌شد و می‌تواند در دیگر افراد نیز چنین باشد.

**خضوع و خشوع:** قرآن کریم می‌گوید خضوع و خشوع نیز از هیجاناتی است که در رفتار انسان‌ها آشکار می‌شود: «وَيَخْرُونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا؛ وَ بر روی زمین می‌افتند و می‌گیرند و بر فروتنی آنها می‌افزاید» (اسراء: ۱۰۹). این آیه، به کسانی اشاره دارد که در مقابل خداوند به خشوع می‌افتند و با گریه و اشک، تسلیم بودن خود را نزد خداوند ابراز می‌کنند (ر.ک. طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳، ۲۲۳).

علائم غیرکلامی، نشانه‌هایی از احساسات و حالات درونی انسان است که بیشتر از



کلمات، ارتباطات را منتقل می‌کند. این علائم می‌تواند شامل زبان بدن، حرکات چهره، وضعیت بدنی و حتی لحن صدا باشد. در قرآن کریم، به این علائم غیرکلامی اشاره شده و روابط مختلفی مانند تواضع، نفاق، حیا، شرم، ندامت، حسرت، تکبر، خشم و دیگر حالات روحی، از طریق حرکات بدنی و حالات ظاهری بیان شده است. این آیات نشان می‌دهد که بین زبان بدن یا تحرکات ظاهری و هیجانات درونی انسان ارتباط مسحتکمی برقرار است.

### ۳-۲. روانشناسی چهره

قرآن کریم در مورد مستمندان می‌فرماید که ظاهر خود را حفظ می‌کنند؛ اما رنگ چهره آن‌ها چیز دیگری را نشان می‌دهد: «تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ...» (بقره: ۲۷۳) یا در دوران جاهلیت وقتی مژده ولادت دختر به مردان داده می‌شد، از شدت خشم چهره‌شان سیاه می‌شد. «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ» (نحل: ۵۸). در قیامت با آشکار شدن ویژگی‌های افراد، چهره‌های آنان به‌وضوح از یکدیگر تمایز می‌یابد. «يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ» (آل عمران: ۱۰۶). در مورد شرمندگی کفار می‌گوید که چشم‌های کفار به زیر افتاده و خواری تمام وجودشان را فراگرفته است. «خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُقُهُمْ ذُلَّةٌ» (قلم: ۴۳) در روز قیامت، چهره اهالی بهشت یا آنان که مژده ورود به بهشت دریافت می‌کنند، روشن و خندان و شاداب است. «وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ صَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ» (عبس: ۳۸-۳۹). بهشتیان در روز قیامت از چهره‌های خود شناخته می‌شوند به‌گونه‌ای که هر کس به چهره آنان نگاه کند، نشاط را در آن‌ها خواهد دید. «تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ» (مطففین: ۲۴).

روانشناسی چهره به این مفهوم اشاره دارد که احساسات و ویژگی‌های درونی افراد از طریق حالات چهره آن‌ها قابل‌شناسایی است. این حالات می‌توانند نشان‌دهنده روابط سالم یا ناسالم بین افراد باشند که شواهد فراوانی قرآنی هم دارد. بنابراین برای بهبود روابط انسانی و ایجاد ارتباطات مطلوب، می‌توان از آموزه‌های روان‌شناختی قرآن کریم بهره برد. یکی از روش‌های مؤثر در کنترل احساسات منفی مانند خشم، تغییر رفتار یا وضعیت جسمانی است.





### ۳-۳. لحن کلام

کلمه لحن بیشتر به معنای تغییر در نحو کلام است؛ مانند جابجایی اعراب یا نقاط آن که این عمل ناپسند است. گاهی هم به کار بردن سخنان سربسته و کنایه‌آمیز که در میان شاعران و ادیبان بیشتر رواج دارد، نوعی بلاغت شمرده می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸: ۷۳۸). در قرآن به لحن و تُن صدا نیز توجه شده است؛ زیرا این حالات بیانگر ویژگی‌های درونی و بیرونی فرد در هنگام بروز ارتباطات است.

تأثیر تُن صدا و نوع لحن، یکی دیگر از مصادیق ارتباط غیرکلامی است که در قرآن بازتاب دارد. چنانکه می‌فرماید: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب: ۳۲). این آیه همسران پیامبر را از سخن گفتن با لحن نازک نهی کرده و به سخن گفتن با لحن طبیعی دستور داده است. علتش نیز این است که ممکن است لحن غیر معمولی باعث طمع بیمار دلان شود. به بیان قرآن کریم، از طرز سخنان برخی می‌توان به هیجان‌ها و حالات درونی‌شان پی برد. چنانکه در مورد منافقان می‌فرماید: «فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ» (محمد: ۳۰).

با کنترل و مدیریت این ویژگی‌ها، بر اساس اصول تربیتی و ارتباطی، می‌توان یک ارتباط مؤثر و مناسب میان زوجین برقرار کرد.

### ۳-۴. نوع نگاه یا ارتباط چشمی

ارتباط چشمی یکی از ملزومات آغاز ارتباط است که پیش از شکل‌گیری ارتباط کلامی، ایجاد می‌شود و نشانه‌ای از برقراری ارتباط است. ارتباط چشمی، گویاترین پیام غیرکلامی است و نشانه صداقت، احترام، علاقه، هوشمندی، خلوص نیت و اعتماد به نفس است و همچنین بیانگر حالات درونی فرد است.

نوع نگاه هم از منظر قرآن کریم، برای برقراری ارتباط، معنادار است. چنانکه می‌فرماید: «رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُنْظَرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ؛ منافقان بیمار دل را می‌بینی که همچون کسی که در آستانه مرگ قرار گرفته به تو نگاه می‌کنند» (محمد: ۲۰). از نظر قرآن کریم، نگاه خیره بدون پلک زدن، نشانه ترس و نگرانی است.

بنابراین نوع نگاه می‌تواند منجر به ایجاد ارتباط درست یا نادرست گردد. قرآن کریم به



این موضوع توجه کرده و نشانه‌های آن را بیان می‌کند. خیره شدن می‌تواند نشانه‌ای از حالات مختلف فرد باشد؛ ترس، نگرانی، عشق، محبت، جذب و... علائم چشمی در ارتباطات نقش دارد و مدیریت در نوع نگاه می‌تواند کمک مؤثری در برقراری ارتباط سالم میان زوجین باشد. بنابراین توجه به آموزه‌های و حیانی، راهکاری مفید برای داشتن ارتباط سالم است.

#### ۴. فواید ارتباط صحیح در روابط زناشویی

روابط زناشویی، پایه‌گذار بسیاری از جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی افراد است و ارتباط صحیح در این روابط می‌تواند تأثیرات شگرفی بر سلامت روانی و اجتماعی زوجین بگذارد. این نوع ارتباطات هم به بهبود کیفیت زندگی کمک می‌کند و هم باعث تقویت روابط خانوادگی، افزایش عزت نفس و ارتقای سطح امنیت اجتماعی می‌شود. در ادامه، به برخی از مهم‌ترین فواید ارتباط صحیح در روابط زناشویی پرداخته می‌شود:

##### ۴-۱. آرامش روانی

یکی از بارزترین فواید ارتباط صحیح در روابط زناشویی، ایجاد آرامش روانی است. به اعتقاد روان‌شناسان، محیط خانواده سالم، بهترین مکان برای تأمین آرامش روانی فرد است. این محیط هم نیازهای روانی افراد را برآورده می‌کند و هم موجب ایجاد امنیت و اطمینان برای همسران می‌شود. محبت، غمخواری و پذیرش متقابل از جمله مؤلفه‌هایی است که به ایجاد این امنیت روانی کمک می‌کند. این احساسات، زمانی که در رابطه زناشویی برقرار باشد، به زوجین این امکان را می‌دهد که در کنار یکدیگر احساس آرامش کنند و در دنیای پرتنش بیرونی، خانه و خانواده به امن‌ترین پناهگاه تبدیل شود. بنابراین ارتباط صحیح و مبتنی بر احترام متقابل در خانواده، محیطی سالم برای رشد روانی افراد فراهم می‌آورد که در هیچ جای دیگری به دست نمی‌آید (بورنستین، ۱۳۸۰).

##### ۴-۲. رشد شخصیت

یکی از زمینه‌های مهم رشد شخصیت، عزت نفس است و روابط صحیح زناشویی می‌تواند به افزایش عزت نفس افراد کمک کند. وقتی زوجین در یک رابطه سالم قرار دارند، معمولاً حس رضایت‌مندی از زندگی پیدا می‌کنند. این رضایت‌مندی به‌ویژه زمانی که به‌عنوان پدر



یا مادر شدن تجربه می‌شود، به رشد شخصیت فردی کمک می‌کند. در چنین رابطه‌ای، همسران احساس مسئولیت نسبت به یکدیگر و همچنین نسبت به خانواده پیدا می‌کنند که «این امر باعث تقویت ویژگی‌های مثبت در شخصیت آن‌ها می‌شود. بر اساس دیدگاه ژان پیاژه، حرکت از خودمحوری به سوی تعامل با دیگران، یکی از مراحل رشد شخصیت است. در روابط زناشویی صحیح، این پدیده به وضوح مشاهده می‌شود؛ زیرا همسران به یکدیگر ایثار و فداکاری می‌کنند و یکدیگر را جزئی از وجود خود می‌دانند. این تعامل مثبت، باعث تقویت عزت نفس و رشد فردی هر یک از طرفین می‌شود و به توسعه شخصیت آن‌ها کمک می‌کند» (منصور و دادستان، ۱۳۸۰).

#### ۳-۴. رسیدن به امنیت اجتماعی

یکی دیگر از مزایای ارتباط صحیح در روابط زناشویی، تأثیر آن بر امنیت اجتماعی است. طبق آموزه‌های قرآن و تحقیقات اجتماعی، روابط زناشویی سالم می‌تواند به کاهش جرم و بزهکاری در جامعه کمک کند؛ زیرا «وقتی زوجین به طور صحیح و با احترام متقابل زندگی می‌کنند، زمینه‌های لازم برای ایجاد یک محیط اجتماعی امن‌تر برای فرزندان و یک نسل فراهم می‌شود. این نوع روابط هم در کاهش آسیب‌های اجتماعی مؤثر است و هم باعث افزایش سطح مسئولیت‌پذیری و حس تعلق اجتماعی در افراد می‌شود. روابط زناشویی مبتنی بر احترام و محبت می‌تواند موجب کاهش بسیاری از مشکلات اجتماعی از جمله خشونت‌های خانگی و بزهکاری در اجتماع گردد» (محبوبی منش، ۱۳۹۶).

#### ۴-۴. ایجاد بستری مناسب برای فرزندآوری

ایجاد خانواده سالم پس از یک رابطه زناشویی صحیح، می‌تواند به تقویت احساسات فردی زوجین کمک کند و در آن‌ها تعهد و مسئولیت‌پذیری بیشتری ایجاد نماید. وقتی فرزند در چنین خانواده‌ای متولد می‌شود، این تعهد و مسئولیت‌پذیری هم در زندگی روزمره و هم در تربیت فرزند نیز بروز می‌کند. حضور فرزند، تعمیق روابط میان همسران را موجب شده و به آن‌ها احساس تعلق بیشتری به یکدیگر می‌دهد. از سوی دیگر، زندگی در چنین محیطی موجب کاهش مشکلات روانی، افسردگی، خودکشی و اعتیاد در میان زوجین و فرزندان می‌شود. فرزندآوری در یک خانواده پایدار و سالم می‌تواند زمینه‌ساز رشد روانی و



اجتماعی فرزندان شود و مشکلات روانی را از بین ببرد (ر.ک. سالاری فر، ۱۳۸۶). بنابراین ارتباط صحیح در روابط زناشویی هم موجب تأمین آرامش روانی و رشد شخصیت افراد می‌شود و هم به امنیت اجتماعی و تقویت بنیان‌های خانواده کمک می‌کند؛ زیرا روابط سالم زناشویی به افراد این امکان را می‌دهد که در یک محیط امن و حمایتگر زندگی کنند و به‌طور هم‌زمان زمینه‌های رشد فردی و اجتماعی خود را فراهم سازند. این نوع روابط به کاهش آسیب‌های اجتماعی و مشکلات روانی کمک کرده و زندگی سالم‌تر و شادتری برای اعضای خانواده به ارمغان می‌آورد. به همین دلیل، سرمایه‌گذاری در بهبود کیفیت ارتباطات زناشویی نه تنها برای خود زوجین، بلکه برای جامعه نیز مفید و ضروری است.

## ۵. تحلیل روانشناسی فرایند ارتباط غیرکلامی در روابط زناشویی بر پایه آموزه‌های قرآن کریم

در روابط زناشویی، ارتباطات غیرکلامی نقش ویژه‌ای دارد که می‌تواند بر روانشناسی زوجین تأثیرات قابل توجهی بگذارد. به‌عنوان مثال، لحن صدا، نگاه‌ها و حتی نحوه نشستن و ایستادن می‌تواند بسیاری از احساسات و افکار نهفته را منتقل کند. در بسیاری از مواقع، زوجین تنها از طریق رفتارهای غیرکلامی پیام‌های عاطفی و روانی خود را به یکدیگر منتقل می‌کنند. لحن گرم و محبت‌آمیز، نگاه‌های پرمعنا و حتی حرکات بدن می‌تواند احساسات مثبتی چون احترام متقابل و پذیرش اختلافات را تقویت کند. این ارتباطات غیرکلامی به‌طور مستقیم بر وضعیت روانی و عاطفی زوجین تأثیر گذاشته و موجب تقویت ارتباطات نزدیک و سالم‌تر می‌شود. قرآن کریم نیز به‌طور غیرمستقیم بر لزوم احترام و محبت متقابل تأکید دارد و آموزه‌های آن می‌تواند راهگشای تقویت این نوع ارتباطات باشد که در ادامه به مواردی اشاره می‌کنیم:

### ۵-۱. نقش آموزه‌های قرآن کریم در تقویت ارتباطات زناشویی

قرآن کریم به‌عنوان کتاب هدایت، اصولی را برای زندگی زناشویی ترسیم کرده که به تقویت و تحکیم روابط همسران کمک می‌کند. این اصول شامل محبت، احترام متقابل، مسئولیت‌پذیری، عدالت و گذشت است که همگی نقش مهمی در ایجاد یک زندگی



زناشویی سالم و پایدار دارند.

۱. محبت و مودت به عنوان اساس زندگی زناشویی: یکی از مهم‌ترین آموزه‌های قرآن درباره روابط زناشویی، تأکید بر مودت و رحمت است که می‌فرماید: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱). این آیه بیان می‌کند که اساس رابطه میان زن و شوهر، دوستی و محبت عمیق است که سبب استحکام روابط آن‌ها می‌شود و جالب این است که خداوند ایجاد این محبت بین زن و شوهر را به خودش نسبت می‌دهد.

۲. احترام متقابل و حسن معاشرت: قرآن کریم به حسن رفتار میان همسران سفارش کرده است: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹). این آیه بر اهمیت خوش رفتاری، احترام و نیکی در روابط زناشویی تأکید دارد که سبب آرامش و افزایش محبت میان زوجین می‌شود. ۳. عدالت و مسئولیت‌پذیری در زندگی مشترک: قرآن عدالت را به عنوان یک اصل مهم در زندگی خانوادگی معرفی کرده است: «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً» (نساء: ۳). این آیه که ابتدا به تعدد زوجات اشاره می‌کند، از برقراری عدالت نیز می‌کند و این نشان می‌دهد که عدالت در روابط زناشویی، لازمه یک زندگی متعادل و سالم است.

۴. صبر و گذشت در برابر مشکلات: زندگی زناشویی ممکن است با چالش‌هایی روبه‌رو شود. قرآن بر صبر و گذشت تأکید دارد: «وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ» (آل عمران: ۱۳۴). کظم غیظ و گذشت در زندگی اجتماعی و خانوادگی از اهمیت خاصی برخوردار است. این اصل قرآنی به همه انسان‌ها که همسران را نیز شامل می‌شود، توصیه می‌کند که در برابر خطاهای یکدیگر گذشت داشته باشند تا از تنش و درگیری جلوگیری شود.

بنابراین آموزه‌های قرآن، با تأکید بر محبت، احترام، عدالت، صبر و گذشت، راهنمایی ارزشمند برای بهبود و تقویت روابط زناشویی است که به تحکیم بنیان خانواده کمک می‌کند.

## ۵-۲. پذیرش اختلافات و حل مسائل درون زندگی زناشویی

در هر رابطه زناشویی، اختلافات و مشکلاتی به وجود می‌آید و طبیعی هم است؛ اما باید به طور مؤثر مدیریت شود. از دیدگاه روان‌شناسی، پذیرش اختلافات و مدیریت صحیح آن‌ها یکی از اصول کلیدی در موفقیت یک رابطه و زندگی مشترک است. قرآن کریم نیز



به این موضوع پرداخته و روش‌های مختلفی برای حل مشکلات و اختلافات در زندگی زناشویی ارائه می‌دهد. در آیه‌ای از قرآن، زوجین به رعایت صبر و بخشش در مواجهه با مشکلات دعوت شده‌اند (طلاق: ۲). این آموزه‌ها به زوجین کمک می‌کند تا با پذیرش یکدیگر و حل مشکلات به صورت مسالمت‌آمیز، ارتباطات خود را تقویت کرده و به حل مسائل به شیوه‌ای انسانی و اخلاقی بپردازند.

### ۳-۵. تأثیر ایمان و تعهد به اصول دینی بر ارتباط زناشویی

ایمان به اصول دینی و تعهد به آموزه‌های قرآن کریم می‌تواند به عنوان یک محرک قوی برای تقویت ارتباطات زناشویی عمل کند. وقتی زوجین به اصول دینی خود پایبند باشند و در تعاملات خود صداقت و احترام را مدنظر قرار دهند، این امر موجب تقویت اعتماد و اطمینان در رابطه می‌شود. تعهد به اصول قرآن، به زوجین این امکان را می‌دهد که مشکلات و اختلافات را به صورت مثبت و با رویکردی آرامش‌بخش حل کنند؛ زیرا قرآن کریم همیشه بر تعامل مثبت، صداقت و رعایت حقوق یکدیگر تأکید کرده است.

### ۴-۵. مسئولیت‌پذیری و همدلی

مسئولیت‌پذیری و همدلی دو مؤلفه اساسی در روابط زناشویی سالم است. در روابط زناشویی صحیح، هر طرف باید مسئولیت خود را در قبال شریک زندگی‌اش به درستی ایفا کند. قرآن کریم نیز بر مسئولیت‌پذیری و همدلی تأکید کرده و این ویژگی‌ها را به عنوان اصول اساسی برای داشتن یک زندگی مشترک موفق و شاد معرفی می‌کند. همدلی و درک متقابل می‌تواند به زوجین کمک کند تا ارتباطات خود را در سطوح مختلف عاطفی و روانی تقویت کنند و به طور مؤثر به مسائل مشترک خود رسیدگی کنند.

تحلیل روانشناسی ارتباطات غیرکلامی در روابط زناشویی نشان می‌دهد که این نوع ارتباطات به طور مستقیم بر روابط زوجین تأثیر دارد و می‌تواند زمینه‌ساز تقویت احساسات مثبت، اعتماد و احترام متقابل باشد. آموزه‌های قرآن کریم با تأکید بر محبت، تواضع، مسئولیت‌پذیری و حل مشکلات به طور مسالمت‌آمیز، به عنوان یک راهنمای دینی می‌تواند در بهبود کیفیت ارتباطات زناشویی نقش اساسی ایفا کند. ترکیب این آموزه‌ها با اصول



روانشناسی می‌تواند کمک کند تا زوجین در زندگی مشترک خود روابط سالم، پایدار و مبتنی بر احترام متقابل داشته باشد.

### نتیجه‌گیری

ارتباطات غیرکلامی نقش مهمی در روابط زناشویی دارد و آموزه‌های قرآن کریم می‌تواند راهنمایی مؤثری برای بهبود و تقویت این نوع ارتباطات باشد. قرآن با تأکید بر اصول اخلاقی و معنوی، به زوجین کمک می‌کند تا روابط خود را بر اساس احترام متقابل، تواضع، حل مسائل به شیوه‌ای هوشمندانه و استفاده از ابزارهای مختلف ارتباطی، به‌ویژه ارتباطات غیرکلامی، تقویت کنند. این ارتباطات شامل ایماء بدنی، لحن صدا، حالات چهره و حرکات بدنی است که می‌تواند تأثیر عمیقی بر ارتقای احساسات مثبت در روابط زناشویی بگذارد. قرآن کریم، با بیان ارزش‌های معنوی و اخلاقی، هم‌زمان راه‌حلی برای مسائل زناشویی ارائه می‌دهد که می‌تواند به تقویت ارتباطات و جلوگیری از بروز مشکلات کمک کند.

یکی از مهم‌ترین اصول قرآنی که در این زمینه تأکید شده، احترام متقابل و توجه به اصول انسانی است. آیه «وَلَا تَسْأُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ» بیانگر این است که زوجین نیکویی‌ها و احترام متقابل را هرگز فراموش نکنند و در روابط خود همیشه به دنبال ایجاد صلح و محبت باشند. این اصل می‌تواند به‌طور مستقیم به ارتباطات غیرکلامی نیز تعمیم یابد؛ زیرا در بسیاری از موارد، زبان بدن و رفتارهای غیرکلامی تأثیر بیشتری از کلمات دارد و از طریق این نوع ارتباطات است که می‌توان میزان محبت، احترام و علاقه در روابط زناشویی را نشان داد. همچنین در قرآن به اهمیت ایمان و تقوا اشاره شده که می‌تواند به‌عنوان عاملی برای تقویت روابط زناشویی و افزایش هماهنگی عاطفی در زوجین عمل کند.

علاوه بر این، قرآن کریم تأکید زیادی بر ایمان، تقوا، مسئولیت‌پذیری و مشورت در زندگی زناشویی دارد که هر یک از این اصول می‌تواند نقش مؤثری در تقویت ارتباطات غیرکلامی ایفا کند. به‌عنوان مثال، آیه «إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا»، (کهف: ۳۰) می‌گوید که اعمال نیکو و تلاش برای بهبود روابط همواره پاداش دارد و نباید به‌راحتی از کنار آن‌ها گذشت. این پاداش‌ها نه تنها در جهان آخرت، بلکه در بهبود روابط زناشویی نیز نمود می‌یابد. وقتی زوجین بر اساس ایمان و اخلاق اسلامی، با یکدیگر محترمانه برخورد



کنند، این نوع رفتار به‌طور مستقیم در ارتباطات غیرکلامی آن‌ها نیز نمایان خواهد شد. همچنین مفهوم مشورت که در قرآن آمده، (شوری: ۳۸) می‌تواند راهگشای حل بسیاری از مشکلات و اختلافات باشد و در ایجاد آرامش و هماهنگی بیشتر در روابط زناشویی تأثیر بگذارد.

بنابراین می‌توان گفت که ترکیب آموزه‌های قرآن کریم با ارتباطات غیرکلامی، باعث ایجاد تعادل و هماهنگی در روابط زناشویی می‌شود. قرآن به‌عنوان یک منبع راهنمای اخلاقی و معنوی، به زوجین کمک می‌کند تا نه تنها از زبان گفتار، بلکه از زبان بدن و دیگر اشکال ارتباطات غیرکلامی برای تقویت رابطه خود بهره‌برداری کنند و به زندگی مشترک خود بر طبق راهنمایی‌های قرآن کریم، رونق بدهند. در این راستا، استفاده از اصول قرآنی مانند احترام متقابل، تواضع، مسئولیت‌پذیری، تقوا و مشورت، می‌تواند موجب بهبود و تقویت روابط زناشویی گردد. با توجه به این اصول و با تکیه بر روش‌های غیرکلامی، زوجین قادر خواهند بود که زندگی زناشویی خود را بر پایه محبت، احترام و همکاری مستحکم کنند.



## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. بورنستین، ف. چ، (۱۳۸۰)، روش‌های درمان مشکلات زناشویی، تهران: نشر رشد.
۲. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲)، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، تهران: دنیای دانش.
۳. پی فرگاس، جوزف، (۱۳۷۳)، روان‌شناسی تعامل اجتماعی (میان فردی)، (ترجمه: خشیار بیگی و مهرداد فیروز بخت)، تهران: نشر امجد.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۵. جولیاتی، وود، (۱۳۷۹)، ارتباطات میان فردی، روان‌شناسی تعامل اجتماعی، (ترجمه: مهرداد فیروز بخت)، تهران: نشر مهتاب.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ ق)، هداية الأئمة إلى أحكام الأئمة<sup>(ع)</sup>، مشهد: آستانة الرضوية المقدسة.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۸۸)، المفردات، (مترجم: سید غلامرضا خسروی حسینی)، تهران: نشر مرتضوی.
۸. سالاری‌فر، محمدرضا، (۱۳۸۶)، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، تهران: نشر سمت.
۹. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۴) تفسیر المیزان، (ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی)، قم: دفتر نشر اسلامی.
۱۰. طیب، سید عبدالحسین، (۱۳۷۸)، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام.
۱۱. فرهنگ، علی اکبر، (۱۳۸۴)، ارتباطات انسانی، تهران: انتشارات رسا.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۱۳. محبوبی منش، حسین، (۱۳۹۶)، تغییرات اجتماعی ازدواج، کتاب زنان، شماره ۲۶.





۱۴. محسنیان راد. مهدی، (۱۳۸۷)، ارتباط شناسی، تهران: انتشارات سروش.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۰)، تفسیر نمونه، تهران: نشر دار الکتب الاسلامیه.
۱۶. منصور، محمد؛ دادستان، پری‌رخ، (۱۳۸۰)، دیدگاه پیاژه در گستره تحول روانی، تهران: بعثت.
۱۷. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، (۱۴۱۰ ق)، مجموعه وزّام، قم: مکتبه فقیه.